

## آیا تلویزیون برای ایران لازم است؟

توسعه شکفت انگیز وسائل حمل و نقل و ارتباطات در قرن فعلی ملل جهان را باندازه زیادی بهم نزدیک نموده است و امروزه باسانی و فوریت می شود از هر نقطه دنیا دیدن کرد و از شرایط و احوال آن محل کسب اطلاع نمود. در نتیجه می توانیم وضع خود را با حال و روز سایر ملل مقایسه کنیم و ببینیم در چه مواردی عقبیم و چگونه باید در شاهره ترقی قدم گذاریم. و بجلوروییم. از یک طرف می بینیم که از لحاظ علم و صنعت و وسائل تولیدی بکجا رسیده اند و از سوی دیگر درجه رفاه و آسایش زندگانشان غبطه می خوریم. ولی متأسفانه کمتر توجه داریم که این دو امر از هم مجزی نیست و برای دسترسی بدان زندگانی مرفه باید از آن علم و صنعت هم پیروی کنیم؛ می خواهیم از مزایای زندگانی غرب تقلید و استفاده کنیم ولی حاضر نیستیم رنج تشریفات علمی را بخود تحمل نماییم، در نتیجه منابع سرشار خدا دادی را که باید صرف ترقی و تعالی ملک و ملت شود بمصارف تجلی روزانه بهدر می دهیم.

یکی از تقلیدات کور کورانه موضوع تلویزیون است که چون ممالک مترقی دارند پس ما هم باید داشته باشیم. ولی هیچ از خود نمی پرسیم که آیا این «مظهر تمدن» هم اش حسن و خوبیست یا عیب و نقیصی هم در بردارد؟ اگر دیگری آن را داشت آیا در اوضاع و احوال ایران هم به مصلحت و نفع ملت است؟

البته معاسن و فوائد تلویزیون بر کسی پوشیده نیست؛ تلویزیون وسیله تفریحی جدیدی است که مزایای سینما و رادیو را مشترکاً بخانه می آورد و اگر درست مورد استفاده قرار گیرد می تواند خدمات فرهنگی مهمی انجام دهد؛ تلویزیون می تواند قوه تفکر را تهییج کند، در معرفی و محبوبیت علم و هنر مؤثر قرار گیرد، معلومات و کشفیات جدید را در میان عده بیشتری شیوع دهد، و مسائل و گرفتاریهای عمومی را در معرض افکار قرار دهد و راه رهایی بجوید.

ولی نباید تصور کرد که وجود تلویزیون خیر محض است. در حقیقت مضرات آن را در ممالک راقیه نیز قبول دارند و شب و روز درباره آن بحث و گفتگو دارند. علیرغم فوائد آن، تلویزیون وسیله تفریحی فردی و بی فعالیتی است؛ فامیل و دوستان زمستان و تابستان در تار یکی دور اطاق می نشینند و بدون سرو صدا مجسمه وار ساعات مشادی بصفحه تلویزیون خیره خیره می نگرند؛ نه مکالمه و مباحثه ای، نه حرکت و هوای آزادی؛ وسیله تفریحی حاضر و آماده در دسترس است،



حس ابتکار و استدلال کم می شود، و فعالیت روحی و جسمی و تفریحی خارج از منزل محدود می گردد؛ روح اجتماعی کم کم با نروا و انفراد تبدیل می شود و حرکت و فعالیت براحتی و آسایش طلبی تبدیل می یابد.

این اثرات بر کودکان و نسلهای آینده زیادتر است. بعلاوه تلویزیون اطفال را از درس و مشق بازمی دارد؛ در جواب پرسشنامه ای که از کودکان مدارس شهر «کاونتری» شد یک پنجم اطفال اظهار داشتند که وجود تلویزیون با اندازه «قابل ملاحظه ای» از درس و مشق بازشان داشته است. و متأسفانه این صدمه منحصر بتکالیف در منزل نیست و در تحصیل روزانه نیز مؤثر است: دکتر مدارس یکی از استانهای انگلستان در گزارش خود می نویسد: «کودکان عادت کرده اند تا آخر شب بیدار بمانند که تلویزیون تماشا کنند و لذا بطور دائم خسته و خواب آلودند و آنها که بینایشان خوب نیست از خستگی چشم رنج می برند». اثر تلویزیون بر چشم اخیراً مورد توجه اطباء قرار گرفته است چه چشم بیش از سایر ماهیچه ها و اعصاب تحت فشار است و باید دائماً وضع خود را تعدیل کند تا بتواند اشیاء مخطط کم نور و پر نور صحنه تلویزیون را مورد نظر قرار دهد. مطالعاتی که درباره ۱۹۲۸۰ محصل ۷ تا ۱۴ ساله شهر «کلر دیسف» در بایمیز پارسل شد نشان داد آنها که تلویزیون دادند چشیشان ضعیفتر و هرچه بیشتر تماشا کرده اند کم سوتر و احتیاجشان به عینک بیشتر است و بعقیده پزشکان مسئول، این رابطه بهیچوجه «تصادفی» نیست بلکه نتیجه تلویزیون است زیرا:

- ۱- تصاویر متحرک روی صفحه مخطط کم نور، وغالباً ابری و مه آلود است.
- ۲- ساعات طولانی بدون حرکت در تاریکی نشستن و بصحنه تلویزیون نگرستن چشم را خسته می کند (حتی اگر تصاویر روی صفحه هم بدون عیب و نقص باشد).
- ۳- فاصله نشستن از تلویزیون که هرچه کمتر باشد بدتر است و در معمولاً طول اطلاق محدود است. اثرات جسمانی منحصر بختگی چشم نیست بلکه خستگی کلی اعصاب و حتی تغییر در اسکلت بدن در نتیجه مدت زیادی نشستن در یک حالت غیر طبیعی تولید می شود.

از اینها گذشته تمام روحیه و طرز فکر کودکان تحت تاثیر این عامل جدید قرار می گیرد؛ و از این لحاظ تلویزیون و سینما با هم قابل مقایسه نیستند. معمولاً در غالب ممالک فیلمهای سینما درجه بندی می شوند و اطفال اجازه دیدن بعضی فیلمها را ندارند ولی در مورد تلویزیون کلیدخانه دست پدر و مادر نیست و اشخاص بیگانه و نامطلوب هم از دریچه تلویزیون بمنزل راه دارند. چون برنامه های تلویزیون قبلاً دیده نشده نمی شود دانست کدام ساعت بکودک می شود اجازه داد بر نامه را تماشا کند و چه موقع حق تماشا ندارد، و بعلاوه نمی شود در یک شب بچه را پنج دفعه از اطلاق بیرون کرد و باز راه داد. و برای روحیه و محیط فامیلی نیز خوب نیست؛ تازه کودک می گوید: اگر برای شما خوب است من چرا تبینم؟ وقتی والدین منزل نیستند آنوقت چه باید کرد؟

اثر روحی تلویزیون بر کودکان همواره مورد شکایت شدید اولیاء بودم و هست. «مجمع رفاه حال کودکان» انگلیس از سیصد نفر از والدین خواهش کرد که در ماه اکتبر امسال بر نامه های مخصوص کودکان را تماشا کنند و نظریاتشان را بگویند.

در نتیجه معلوم شد شکایت عمده از زیادی برنامه‌های زد و خوردی و حادثه جوئیست. با اینکه مدیر تلویزیون تجارتی قبول دارد که چنین برنامه‌هایی اقلاً یک چهارم ساعت کودکان را تشکیل می‌دهد معیناً معتقد است که هدف ساعت کودکان تشویق به از خودگذشتگی، پاکدامنی، استقامت و کمک‌پذیردستان است. در همان مجمع یکی از نویسندگان مشهور شکایت داشت که دختر هشت ساله‌اش مدتی است که حالت مالخولیائی دارد و از تاریکی شب می‌ترسد و علت را برنامه‌های مخصوص کودکان تلویزیون می‌داند؛ وی اظهار داشت که یک هفته ساعت کودکان را تماشا کرد، و در این مدت کم حداقل ۲۱ نفر کشته و زخمی شدند ۲۴ نفر شدت مضروب گشتند و ۱۱۰ نفر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و این آمار شامل زرد و خوردهای با تیر و کمان که ایشان نشرده بود نمی‌شود. با وجود این مدیر تلویزیون تجارتی اعلام داشته که صحنه‌های شدید و زجر و شکنجه از برنامه‌های کودکان حذف می‌شود؛ معلوم نیست که اگر حذف نمی‌شد دیگر این برنامه‌ها چه صورت و اثری داشت! سخنران دیگری در رادیو تعریف می‌کرد که در منزل صحبت بود که فلانکس مرده است و بچه‌اش با تعجب گفت: «خودش مرد؟ چه بد! چرا کسی نکشتش؟!». در محاکمه‌ای که اخیراً در امریکا صورت گرفت بچه‌ای که طفل دیگری را کشته بود با لحن افتخار آمیزی مانند قهرمانان تلویزیون شرح می‌داد که چگونه چاقورا در قلب دیگری فرو کرده است؛ سروصدا و شکایات «مجمع رفاه حال کودکان» اخیراً موضوع چند کاریکاتور خوشبزه شده است؛ یکی از اینها یک جلسه‌ای را نشان می‌دهد که بزرگان دور تلویزیون نشسته‌اند و صحنه‌ای را تماشا می‌کنند که یکی با کارد بد دیگری حمله کرده است و در این ضمن کودک منزل در



را بازمی‌کند و پیدرش اعلام خطر می‌کند: «باباجان، مواظب باش، بکنفراز» مجمع



رفاه حال کودکان آمده است:»

اثر دیگر تلویزیون جنبه انحصاری آنست: با يك دستگاه راديو می شود بایستگاه هر کشوری گوش داد درحالیکه حوزه يك فرستنده تلویزیون محدود به ۱۰ تا ۱۲ فرسخ است و بنابرین فقط می شود از ایستگاه محلی استفاده نمود. در این عصر و زمان که تبلیغات این اندازه اهمیت پیدا کرده است انحصار وسیله ای باین مهمی چه دست دولت و چه دست يك مؤسسه تجارتي باشد خطرناك و بسیار ناپسند است. از لحاظ اقتصادی همانطور که دیدیم شعاع يك ایستگاه فرستنده تلویزیون محدود است و هزینه هنگفت آن فقط در نقاطی صرف می کند که جمعیت خیلی زیادی متراکم باشد. این نکته در ایران صدق نمی کند و جمعیت کشور ما نسبت بوسعت آن کم و پراکنده است و تنها محلی که جمعیت انبوه دارد تهران است و حتی در آنجا هم متخصصین امر شك دارند که از لحاظ اقتصادی ایجاد تلویزیون صلاح باشد. برای سایر شهرها مخارج ایجاد تلویزیون کمر شکن است و چنانچه بنا باشد سیستم تهران سایر جاها امتداد یابد یا باید هر ده فرسخ يك ایستگاه «تجدید کننده» ساخت و یا کابلهای مخصوص کشید که مخارج آن از شق اول هم بیشتر است. متأسفانه ایجاد يك ایستگاه تلویزیون در تهران و فقط برای تهران بزیای پایتخت می افزاید و بسیر هجوم مردم شهرستانها بتهران اضافه می کند. در نتیجه سیاستهای نامناسب اقتصادی، شهرستانها رو بفقراء می روند و کارهای تولیدیشان را کد مانده است و از طرف دیگر سیل مهاجرین بپایتخت بتهران و کاسبی و دستفروشی دلخوش دارند و مسئله خانه و مسکن عجیبی در تهران ایجاد شده است. خانه های شهرستانها بی صاحب می مانند ولی در تهران بکوجب جانست و گرایه و بهای زمین چند برابر شده و سرمایه هائی که باید صرف امور انتفاعی شود بداد و ستد زمین و ساختمان خانه منحرف شده است. تلویزیون در تهران باین هجوم جمعیت و مسائل اجتماعی و اقتصادی مربوطه می افزاید.

فرض محال که مجال نیست، بینیم چنانچه دولت بخواهد يك شبکه تلویزیون برای تمام کشور ایجاد کند این امر چه مدت طول خواهد کشید و چقدر خرج خواهد داشت؟ تلویزیون در انگلیس در ۱۹۳۶ شروع شد و امسال که ۲۱ سال از افتتاح آن گذشته تازه ۰.۹۶. از مردم می توانند از آن استفاده کنند و تلویزیون تجارتي هم که در ۱۹۵۵ شروع شد حال فقط به ۰.۵۸. مردم می رسد و امیدوارند تا ۱۹۶۱ آنرا در دسترس همه قرار دهند. اگر فرض کنیم که کار ما هم بهمان سرعت انگلیس پیشرفت کند چون برای دوسرویس مزبور ۶ تا ۱۵ سال ( بدون سالهای جنگ ) طول می کشد برای ایران که تقریباً هفت برابر انگلستان ( انگلیس، ویز، اسکاتلند، و ایرلند شمالی ) وسعت دارد. ۴۰ تا ۹۰ سال طول خواهد کشید.

تلویزیون دولتی انگلیس برای ۰.۹۶. کشور ۱۷ ایستگاه فرستنده ساخته است و چنانچه وسعت ایران را در نظر بگیریم شماره ایستگاهها اقلاً به ۱۱۴ می رسد. حوزه هر يك از ایستگاههای انگلیس قریب چهل میل است و این شعاع در ممالک مسطح بیشتر و در نقاط مرتفع کمتر است. بعبارت دیگر برای کشوری کوهستانی مانند ایران یا باید دستگاههای قویتر تهیه شود و با تعداد بیشتری دستگاههای کوچکتر بکار بریم



که در هر دو صورت مخارج آن خیلی بیشتر خواهد بود. فرض کنیم عوامل دیگر جبران این اضافه مخارج را بکند و قیمت يك ايستگاه مانند انگلیس ۲۵۰۰۰۰ لیره تمام شود. در این صورت مخارج برای تمام کشور ۲۸۰۵ میلیون لیره یعنی ۵۹۸۵۰ میلیون تومان است. این مبلغ مساوی است با متجاوز از نلت درآمد بودجه سال ۱۳۳۵ سه ربع ارزش کل صادرات ایران در آن سال، بیش از عشر مجموع برنامه هفت ساله دوم کشور تازه مخارج اولیه ساختمان و غیره فرعی از هزینه کل تشکیلات تلویزیون است. مقصود رقم دقیق مبلغ و سنوات ساختمانی نیست و واضح است که روز بروز وسائل سریعتر و آسانتری پیدا خواهد شد. مطلبی که باید در اینجا تاکید شود این است که مخارج هنگفت و برای ماکر شکن است.

مخارج عمده تلویزیون برای برق و مهندسی و تهیه برنامه هاست و روز بروز بهزینه نسبی تهیه برنامه ها افزوده می شود و مجموع این دو رقم ۰.۸۵ ر. مخارج تلویزیون دولتی انگلیس را در سنوات اخیر تشکیل می داده است.

سال	۱۹۵۴-۵۵	۱۹۵۵-۵۶	۱۹۵۶-۵۷
مخارج تهیه برنامه ها	۰.۳/۹۷	۰.۴۳/۵۹	۰.۴۷/۲۶
مخارج برق و مهندسی	۰.۴۶/۴۴	۰.۴۱/۹۴	۰.۳۸/۱۴

در سال ۱۹۵۶-۵۷ مخارج یکساعت برنامه تلویزیون ۳۲۵۶ لیره (۶۸۳۷۶ تومان) و مخارج یکساعت برنامه رادیو ۰.۸۵ لیره (۱۲۷۶ تومان) بوده است. هزینه نسبی تلویزیون شش برابر رادیو تمام میشود.

از این که بگذریم قیمت خرید يك دستگاه تلویزیون است: اگر تلویزیونهای لوکس را کنار بگذاریم و مخارج برق و تعمیر و غیره را نیز ندیده بگیریم بهای يك دستگاه عادی در حال حاضر بین ۱۳۷ و ۵۴ لیره و قیمت متوسطی که مردم میپردازند ۷۵ لیره (۱۵۷۵ تومان) است. چقدر از ملت ایران میتوانند ۱۵۰ تومان حاضر و آماده يك قلم صرف تلویزیون کنند و اگر هم فرض کنیم که با چشم و همچشمی تلویزیون خریدن مد شود آیا اصولاً کارخوینست؟ آیا با تهیه يك وسیله تفریحی دیگر برای اغنیاء و پولداران بقاصله طبقاتی و ناراضی عمومی نمی افزاییم؟ از اینها گذشته دستگاهها و وسائل استودیو و برنامه ها و دستگاههای گیرنده باید از خارج وارد شود و درآمد نفتی که اینقدر شنیده ایم صرف این رقم واردات شده و ملت بهمان فقریشین باقی خواهد ماند. البته خواهند گفت که قسمت عمده این مخارج بامربوط نیست. تلویزیون تهران تجارتی است و مخارج را شرکتهای صاحب امتیاز خواهند پرداخت و بیودجه تحمیلی نمی شود و مردم هم چیزی نمی پردازند. ایسن مطلب ظاهرش فریبنده است ولی باید پرسید که صاحب امتیاز این مخارج را از راه خمس و ذکات میپردازد و یا از محل دیگری تأمین می نماید؟ جواب این است که همانطور که در بعضی ممالک دیگر معمول است امیدوارند این مبالغ از منبع آکپها جبران شود. تلویزیون تجارتی انگلیس برای هر دقیقه اعلان تا ۱۲۱۵۰ لیره (۲۴۱۵۰ تومان) میگرد و در هر ساعت ۸ دقیقه برای اعلان تعیین شده است و باین حساب درآمد یکساعت برنامه تجارتی به ۹۲۰۰ لیره یعنی ۱۹۳۲۰۰ تومان میرسد. چون این حداکثر درآمد و مخارج متوسط حدود



۶۸ تومان است و تلویزیون تجارتمی فایده هم میبرد بنا بر این درآمد متوسط باید پیش از ۸۰ تومان در ساعت باشد. آن شرکتهاییکه این مبلغ گزافدا برای اعلانات میپردازند باید هزینه را از افزایش فروش اجناسشان جبران کنند؛ پس در حقیقت مخارج هنگفت این سیستم «مجانی» را خریداران اجناس یعنی افراد ملت میپردازند و بس.

البته اگر بنا باشد فقط در تهران تلویزیون باشد دستگاه اصلی کوچکتر و ارزانتر از نوع معمول در اروپا خواهد بود و بهمان نسبت مخارج تعمیر و نگهداری و مهندسی ۲۵ تا ۳۰ هزار لیره در سال (یعنی حدود ۲۵۰۰ ر. مخارج اولیه) تخمین زده میشود. مخارج مهندسی بعلت ورود وسائل و مهندسیین از خارج به نسبت بیشتر است ولی بهای برنامه‌های داخلی و خرید فیلمهای ارزان قیمت و کمک دستگاههای تبلیغاتی کمتر خواهد بود. ولی اگر مخارج کم است درآمد بنسبت زیادتری محدود است؛ هر چه باشد جمعیت تهران از لندن کمتر و تعداد صاحبان تلویزیون محدودتر و بعلت کمی قدرت خرید مردم (که باید تحت تأثیر اعلانات جنس بخزند) اثر احتمالی اعلانات حتی یک هزارم لندن هم نخواهد بود و بهمین دلیل درآمدی هم که شرکتهای صرف چنین آکپیهائی می‌کنند خیلی محدود خواهد بود. حتی در انگلیس که اقل هفت ملیون تلویزیون پیا جواز موجود است تلویزیون تجارتمی در دو سال اول ضرر کرد و در تهرانی که عده دستگاههای گیرنده بیش از چهار پنچ هزار نخواهد بود (بغداد فقط دو هزار دستگاه گیرنده دارد) چطور می‌توان فایده برد؛ شک فریب یقین این است که با تلویزیون تهران در عرض دو سه سال ورشکست خواهد شد و یا بوسائل مختلفه بدولت فشار خواهند آورد که برای جلوگیری از بسته شدن دم و دستگاه بخشی از مخارج هنگفت را روی دوش بگیرد؛ همانطور که تلویزیون بغداد هم دولتی است و مخارج آن از بودجه تأمین می‌شود. مطلب مهمتر این است که آیا اصولاً تلویزیون تجارتمی (حتی اگر فایده هم بکند) بصره و صلاح است یا خیر؛ برای اینکه چنین سیستمی بتواند ادامه یابد باید اعلانات مؤثر افتد و مردم پیش از پیش از اجناس اعلان شده خریداری کنند. اعلان در رادیو و تلویزیون برای اشیاء مصرفی است. چو راب، تایلن، سابون، ساعت، کراوات، کرد لباس شوئی، شامپو، خمیر دندان، تیغ، بیشتر اش و غیره. کسی نمی‌آید در تلویزیون اعلان کند که کارخانه فلان و بهمان وارد کنند و یا در فلان نقطه برای آبیاری سد بسازد؛ اینگونه کارها را فقط دولت و عده انکشت شماری از سرمایه‌داران می‌توانند شروع کنند و آنهم بستگی سیاست اقتصادی دولت دارد و احتیاجی با کپی نیست. بعبارت دیگر ملتی که باید از مخارج مصرفی خود بکاهد و سرمایه‌اش را برای بسط و رشد اقتصادی کشور صرف کند شب و روز بخرد اجناس غیر ضروری تشویق می‌شود و سرمایه‌های ملی برای وارد ساختن این اجناس بخارج می‌ریزد و تولید داخلی رو بتقلیل می‌گذارد. اگر اینطور نباشد شرکتهای هم که دیوانه نیستند اعلان کنند و تلویزیون تجارتمی هم باید دم و دستگاه را تخته کند؛

نکته دیگر درباره تلویزیون تجارتمی این است که هدف آن تعلیم و تربیت نیست بلکه در درجه اول باید تماشاچی جلب کند؛ همانطور که روزنامه هر چه تیراژش بیشتر تا شد مردم بیشتر آن آکپی میدهند در تلویزیون هم هر چه تماشاچی بیشتر باشد قیمت اعلانات بیشتر است (مثلاً در انگلیس بهای اعلانات بر حسب تعداد تماشاچی از ۱۰۰ تا

۱۱۵۰ لیره در هر دقیقه فرق می‌کند) و لذا در آمد بستگی به عدد تماشاچی دارد و بشهر به معلوم شده است که افراد برنامه‌های سبک و تفریحی را بیشتر می‌پسندند (آمار شنندگان داخلی رادیوی انگلیس نشان می‌دهد که سرویس برنامه‌های تمام سبک ۰.۶۵ ر.؛ سرویس مرکب از سبک و جدی ۰.۳۴ ر. و سرویس تمام جدی فقط ۰.۱ ر. شنندگان را بخود جلب می‌کند). بعبارت دیگر تا وقتی معیار قضاوت خیر و صلاح جامعه است می‌شود برنامه‌های فرهنگی را در پرگرام گنجانید ولی وقتی هدف تجارت و جلب حداکثر تماشاچی است برنامه‌های سبک و زد و خوردی جای برنامه‌های جدی و تعلیمی و اخلاقی را می‌گیرد در امریکا مخارج برنامه‌های فرهنگی را مؤسسات خیریه تأمین می‌کنند و در انگلیس هم این گونه برنامه‌ها ضرر می‌دهند و «اسباب زحمتند» و شرکتهای تهیه کننده برای حفظ آبرو و چون طبق قانون موظفند برنامه‌هایشان «موازنه» داشته باشد ضرر را از منافع برنامه‌های دیگر جبران می‌کنند.

همینطور برای برنامه‌های کودکان : اگر تجارتی باشد هدفش جلب کودکان و فروش اجناس است نه افزایش معلومات و تربیت آنها و اگر تجارتی نباشد ضرر خواهد داد. ابراد دیگر این است که تماشای اعلانات تجار تسی اجباریست و بعلاوه خیلیها نمی‌پسندند که میان برنامه مطلب یکدفعه قطع شود تا بشوند که فلان تیغ چه ریش را خوب می‌تراشد و فلان شام پوچگونه مورا مجعد می‌کند!

کسی منکر منافع تلویزیون نیست ولی عیوب و مضار آن نیز نباید ندیده گرفته شود و در هر صورت گمان نمی‌رود در حال حاضر برای ایران صرفه و صلاح داشته باشد و ایجاد تلویزیون در شرائط فعلی نهایت و لخرجی و اسراف است: آیا ملت نیمه‌عریانی که نان شب ندارد احتیاج اولش به تلویزیون است؟ تلویزیون در ایران نه تنها جزو «واجبات» و «مستحبات» نیست بلکه اگر «حرام» نباشد اقلاً «مکروه» است.

۱۳۳۶ آذرماه ۲۱

پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منوچهر آگاه

پرتال جامع علوم انسانی